

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۳۰ جنور ۲۰۲۲

## "زور قالب ندارد!"؛ "بیچاره گلبدین!"

شنبه- ۰۹ نلو ۱۴۰۰ - کابل: تا جایی که برداشت ها و شناخت شخصی خودم اجازه می دهد تا در مورد افراد فعال سیاسی در ۴ دهه اخیر قضاوت نمایم، اگر قرار باشد از بین تمام آنهایی که ادعای رهبری نموده و یا بر کرسی رهبری یک حزب و یا حاکمیت تکیه زده اند، کس و یا کسانی را به مثابه زورگو، تمامیتخواه و انحصار طلب معرفی نمایم، انتخاب از یک جهت خیلی آسان می گردد و از جانب دیگر خیلی دشوار. آسان از آن بابت می گردد که تمام آنهایی که ادعای رهبری احزاب رسمی و یا حاکمیت را داشته و یا در رأس قرار گرفته اند، همه به درجات معین و قابل دیدی از این صفت برخوردار بوده اند، از "تره کی و امین" گرفته تا "ببرک و نجیب" و از "ربانی - مسعود" گرفته تا "گلبدین" و هم چنان از "کرزی و عبدالله" گرفته تا "غنی احمدزی" و "ملا هبت الله" دارای یک محور مشترک اند که آنهم همان تمامیتخواهی، زورگوئی و انحصار طلبی بوده است؛ مشکل زمانی عرض اندام می نماید که بخواهیم از این همه اجوبه تمامیتخواهی و زورگوئی فرد اول و یا هم دوم و سوم را انتخاب کرد، زیرا آنها چنان در این صفات با هم نزدیک اند که نمی توان یکی را بر دیگری رجحان داد.

در هر صورت وقتی رجحان قابل شدن یکی بر دیگری مشکل می گردد، مسلم است که هیچ یک را نمی توان کمتر از دیگری دانست. هرگاه در همین زمینه بخواهیم بین رفتگان و زندگان "گلبدین" را با دیگران مقایسه نمایم، خیلی سریع دیده می شود که نامبرده در زور گوئی، تمامیتخواهی و انحصار طلبی چنان گامهای فراخی برداشته است که اگر از دیگران پیشی نگیرد مطلقاً عقب نیز نمی ماند. بارها شاهد بوده ایم که حد اقل در بازه زمانی ۴۰ سال اخیر، او هیچ گاهی نتوانسته برای دو ماه با فرد، گروپ و یا حزبی دیگر بدون دعوا و برتری جوئی اتحاد نموده باشد. در این زورگوئی تا حدی پیش رفته بود که به ولینعمت و کسی که دستش را گرفت و از جمع ریش خور های پاکستان نجاتش داده، بیش از صد میلیون افغانی سالانه برایش خرج دسترخوان قابل شد، یعنی "غنی احمدزی"؛ حتا پاس "نان و نمک" او را نیز ننموده همه به خاطر داریم که با نپذیرفتن نتایج انتخابات کذائی بعد از شکست های افتضاح آمیز خودش و پسرش، "غنی احمدزی" را تهدید کرد که به زور داخل ارگ شده، حاکمیت را از وی خواهد گرفت.

وقتی موضعگیری های زورگویانه، تمامیتخواهانه و انحصار طلبانه "گلبدین" را در چهار دهه اخیر می بینیم و متوجه می شویم که وی چگونه از موضع "صاحب حق مطلق" برای تثبیت اراده اش ده ها هزار از هموطنان ما را به خاک و خون کشید و آن اعمال را با عجز و التماس کنونی اش نزد طالب مقایسه می کنیم و می خوانیم که وی انتخابات را در

چوکات امارت مطرح می نماید، یعنی در عمل می پذیرد که "امیر" می تواند فردی از طالب باشد و انتخابات گرداندگی ادارات دولتی را سروسامان دهد، ناگزیر انسان بدین فکر می افتد که بگوید "طالب، کمت! نوش جانت که توانستی گلبدین را نیز تابع بسازی"

تنها چیزی که بیان این درفشانی را قابل تأمل می سازد، از لحاظ زمانی درک رابطه اش با سفر مشاور امنیت ملی پاکستان به افغانستان می باشد. یعنی "گلبدین"ی که رفتن پای انتخابات و اعتناء به رأی توده ها را نمودهای آشکار تأثیر غرب معرفی می داشت و در تمام این سالها تنها آرزویش این بود که در کنار "امر حزب اسلامی"، "امیر افغانستان" نیز بیاید، چرا فقط یک شب قبل از مشاور امنیت ملی پاکستان، انتخابات و امارت را با هم یکجا می سازد. یعنی "امارت اسلامی انتخاباتی افغانستان" یعنی در عین حالی که "امیر" را دستانی از "غیب" مقرر می دارد اداره اش از طریق انتخابات قانونیت بیابد. یعنی "امیر" را در بالای سرش می پذیرد مشروط بر آن که از صندوق های رأیگیری حاکمیت حزبی بیرون آورده شود.

هموطنان گرامی!

این کار "گلبدین" می تواند ده ها دلیل داشته باشد، خوشحال می شوم بخوانم که نظر شما بزرگوران در زمینه چیست؟

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**